

شرکت در انتخابات به مثابه «حق ذاتی» شهروندان

ایران فردا، شماره ۲۹، اردیبهشت ۱۳۹۶

www.drmahmoudi.com

مقدمه

آشنایی اندیشه و ران ایرانی با ادبیات نوین سیاسی، به پیش از جنبش مشروطه خواهی مردم ایران باز می‌گردد. آثار نواندیشانی همانند میزافتحعلی آخوند زاده، میرزا ملکم خان و میرزا یوسف مستشارالدوله نشان دهنده آگاهی ژرف آنان نسبت به مفهوم هایی چون آزادی، برابری، حقوق مردم، قانون و دموکراسی است. هرچند بیش از یک سده از جنبش مشروطه با هدف برپایی حکومت قانون و نظام سیاسی پارلمانی می‌گذرد، اما هنوز در ایران، بعضی گفته‌ها و نوشته‌ها از آشفتگی در فهم درست و دقیق مفاهیم سیاسی جدید حکایت می‌کند. در این میان، یکی از مهم ترین مفاهیم «انتخابات» به مثابه یک حق است. «انتخاب» چه معنایی دارد و خاستگاه آن در کجا است؟ وقتی انتخابات برگزار می‌شود، ما با رای دادن یا ندادن خود، چه عملی انجام می‌دهیم؟ آیا شرکت در انتخابات، همراهی با سایر رای دهندگان است، به این معنی که خیلی‌ها رای می‌دهند، پس ما هم می‌رویم رای بدهیم؟ آیا از سر احساسات، یعنی هواداری از بعضی نامزدهای انتخاباتی بدون شناخت و تامل لازم است، و یا تصمیمی از سر اختیار و تعقل و برمدار آزادی و برابری است؟ آیا چنان که علی شریعتی می‌گفت، انتخابات مظهر دموکراسی «رای‌ها» است یا دموکراسی «راس‌ها»؟ همانند جامعه‌های قبيله‌ای که در آن یک رای وجود دارد و آن رای رئیس قبيله است و سایرین یعنی مردم، همگی راس اند (شریعتی، ۱۳۸۴، ۴۸۰).

انتخابات و حقوق بشر

چنان که می‌دانیم، انسان موجودی عاقل، آزاد و برابر است و از این رو، از حقوق اساسی به عنوان «شخص» برخوردار است. حقوق انسان امری ذاتی است، از نفس انسان بودن او سرچشمه می‌گیرد و از موجودیت وی به عنوان «شخص» تفکیک ناپذیر است. براین اساس، حقوق انسان، مفهومی است متمایز از «امتيازات»، «شعائر»، «مناسک»، «وظایف» و «تکالیف»؛ یعنی انتخابات یک حق است و نمی‌توان «حق» را با کلمات امتیاز، وظیفه، فریضه و مانند این‌ها تعریف کرد.

برخورداری از آزادی، برابری و شرکت در انتخابات، نمونه‌هایی از حقوق بشر است و همه شهروندان به عنوان ذی حق، واجد آن هستند. باید به این موضوع نیز تاکید نهاد که انتخابات یک چیز است و «بیعت» چیزی دیگر. در این مختصر، مجال شرح و بسط دو مفهوم انتخابات و بیعت و مقایسه آن‌ها به یکدیگر نیست، فقط می‌توان به اشاره گفت که بیعت از ریشه «بِيعَ» به معنی «دست دادن، دست فشردن، دست راست خود را به دست راست دیگری زدن برای ایجاب عقد بیع است.» بیعت در اصطلاح به معنی «نهادن دست راست در دست راست کسی به نشانه پذیرش اطاعت و ریاست وی» است (شهیدی، ۱۳۶۸؛ محمودی، ۱۳۹۳، ۲۶۹-۲۶۸). بیعت کردن یعنی تمکین کردن نسبت به کسی که درخواست بیعت می‌کند، و بیعت کننده اقتدار او را می‌پذیرد و به آن گردن می‌نهد. بیعت کننده از این شخص اطاعت می‌کند و با او پیمان وفاداری می‌بندد. بیعت کننده در انتصاب این شخص هیچ نقشی ندارد، بلکه صرفاً انتصاب وی را می‌پذیرد. در بیعت کردن، انتخابی در کار نیست. بنابراین مترادف دانستن انتخابات با «بیعت» خطایی آشکار است. (۱) انتخابات مفهومی است سربرآورده در بستر جهان مدرن، به این معنی که مردم مالک کشور خود به عنوان ملک مشاع اند و حق دارند در باره چگونگی اداره کردن این سرزمین مشاع تصمیم بگیرند. در برابر، بیعت چنان که گذشت مفهومی است مربوط به جهان کهن و پیشا-مدرن که دیرزمانی است دوران آن سپری شده است.

آشفته‌گی فکری در فهم و به کارگیری مفهوم‌های سیاسی، فهرستی طولانی دارد. گاهی دیده می‌شود کسانی تعریف‌های بی‌بنیانی از حق به دست می‌دهند که تعجب آور و حیرت‌انگیز است. آیا این افراد معنی حق را شنیده و خوانده و فهمیده‌اند. آیا اینان از حق و پی‌آمدهای به کار بردن حق از سوی شهروندان، خوف دارند؟ به عنوان نمونه، از کسانی شنیده شده که گفته‌اند: «حق یعنی مسئولیت.» بدون این که درباره این ادعا توضیح منطقی و روشنی بدهند و دلیلی اقامه کنند که تعریف کردن حق به مسئولیت چه معنایی دارد. می‌توان دریافت که آشفته‌گی فکری در باره حقوق بشر- که حق انتخابات یکی از آن‌ها است- حتی اگر تعمدی و مغالطه‌کاری نباشد، می‌تواند به چه نتایج خسارت‌باری بینجامد. ابهام در این گونه مفهوم‌های بنیادین سیاسی، چه از سر جهل و چه از روی عمد، می‌تواند به ابتذال انتخاباتی منتهی شود، آن را از محتوای اصلی تهی سازد و راه فریب‌کاری‌ها، سوء استفاده‌ها و فرصت‌طلبی‌های سیاسی را هموار سازد.

حق شرکت کردن یا نکردن در انتخابات از حقوق بنیادین انسان و منشاء آن، نفس انسان بودن او است به عنوان موجودی که غایت ذاتی و دارای ارزش و کرامت انسانی است. از این رو، هیچ انسانی در هر مرتبه و جایگاهی که باشد، نمی‌تواند هموعان خویش را از حقی برخوردار سازد و یا خودسرانه حقی را از آنان سلب کند. به سخن دیگر، حقوق بشر مانند حق شرکت در انتخابات، اولاً و بالذات، مُتَعَلِّقِ «شخص» است و نه «شیء» که بتوان آن را به شکل تحکمی و دلبخواهی به کسی ارزانی داشت و یا از او سلب نمود. می‌توان

اشیاء را در چارچوب معاملات، خرید و فروش کرد. اما اشخاص و تمامیت ذاتی آنان را که حقوق بشر، گرانگاه آن است، نمی توان مانند اشیاء و لوازم زندگی خریداری کرد یا به فروش رسانید.

شرکت در انتخابات بر پایه « قرارداد اجتماعی»

مردم به عنوان اشخاص ذی حق یعنی « شهروند» در انتخابات شرکت می کنند تا برمدار قراردادی که از سویی میان خودشان نهاده اند، و از سوی دیگر یا نظام حاکم سیاسی بسته اند، بخش هایی از حقوق خویش را از سر اختیار و آزادی، به شکل موقت به عنوان امانت به نمایندگان برگزیده خویش واگذارند. این نمایندگان، در جایگاه مسئول اجرایی (مانند رئیس جمهور) و یا وکلای مجلس و شوراهای شهر و روستا، از سوی مردم انتخاب می شوند. به عبارت دقیق تر، مردم با انتخاب نمایندگان خود، به آنان اجازه می دهند که به عنوان وکیل وظایف نمایندگی خود را در برابر شهروندان و برمدار قانون انجام دهند. آنان در محدوده قوانین موضوعه، حقوق موکلان خود را مبنای وضع قوانین و نظارت بر امور کشور قرار می دهند. بدیهی است که برگزیدگان انتخابات، به عنوان « شخص» صرفاً یک رای دارند؛ اما به عنوان « نماینده» با برخورداری از شخصیت حقوقی، حامل اختیاراتی هستند که مردم با انتقال موقت بخشی از حقوق خود به آنان تفویض کرده اند. این روند چیزی جز حاکمیت مردم و اعمال آن از رهگذر انتخابات آزاد، برابر و قانونی نیست. بدین سان، می توان چنین روندی را برگزاری انتخابات دموکراتیک نامید.

انتخابات دموکراتیک و پی آمدهای آن

در انتخابات دموکراتیک، عمر برگزیدگان مردم به عنوان نماینده کوتاه است. در نظام دموکراتیک، تمامی سِمَت ها و مسئولیت ها چرخشی است. هیچ حکومت دموکراتیکی، دولت ابد مدت نیست. اشخاصی انتخاب می شوند، امور کشور را با کسب اجازه از مردم سامان می دهند و پس از چندی، صندلی قدرت را ترک می کنند و اشخاص دیگری جای آنان را می گیرند. در حکومت دموکراتیک، هیچ سمت مادام العمر و موروثی وجود ندارد. مناصب مادام العمر و موروثی، مانند آنچه در نظام های پادشاهی مطلقه فردی از روزگاران کهن تا امروز دیده می شود، هیچ نسبتی با دموکراسی ندارد. در حکومت دموکراتیک، هیچ مقامی برابر و یا مافوق قانون نیست.

از آنجا که مردم با اعمال حق شرکت در انتخابات، خاستگاه شکل گیری قدرت سیاسی هستند، حق دارند همان گونه که نمایندگانی را در نهاد های قانونگذاری، اجرایی و قضایی برسرکار آورده اند، هرگاه ضروری

دیدند، برپایه ساز و کارهای قانونی، آنان را از کار برکنار کنند. این برکناری چیزی نیست جز بازپس گیری حقوقی که مردم صاحب آن هستند و آن را در صورت لزوم از نمایندگان خود پس می گیرند. این که بعضی ها به مردم تحت هر عنوانی « حق بدهند» که در انتخابات به عنوان نامزد و یا رای دهنده ذی حق شرکت کنند، امری متناقض است؛ یعنی من به شما حق بدهم که شما با استفاده از حق خودتان، منتهی در حد و اندازه ای که من تعیین می کنم، در انتخابات شرکت کنید. این گزاره مهمل است و به عنوان پدیده ای عجیب و غریب، درخور درنگ و تأمل بسیار. وقتی شرکت مردم در انتخابات « حق» لاینفک و برابر انسان ها به عنوان موجودات ذی حق است، دست اندازی به قلمرو این حق به شکل های تعیین و تحدید و مانند این ها، سراپا تناقض است و در نهایت، فرجامی جزشعله ور کردن تضاد های اجتماعی و سیاسی در جامعه ندارد. به بیان روشن تر، انتخابات قانونی دموکراتیک مرحله « پیشا- انتخاباتی» ندارد؛ یعنی انتخاباتی که در آن انتخاب هایی اعلام شود و مردم آن انتخاب ها را انتخاب کنند! به راستی چگونه و بر چه مبنایی می توان به مردم جواز داد که در کجا، به چه اندازه و با چه شروطی از حقوق اساسی خود استفاده کنند و یا یکسره از این حقوق محروم شوند؟ این حقوق از آن مردم است و اختیار آن در دستان مردم به عنوان انسان های عاقل، آزاد و برابر است. پرسش اساسی این است که حق تعیین، تحدید و تعطیل حقوق اساسی مردم از کجا آمده است و چه کسی، از چه طریقی و با چه ساز و کاری آن را به بعضی ها تفویض کرده است؟

آشکار است که مردم به عنوان صاحبان کشور می توانند از نمایندگانی که بر سر کار آورده اند، پرسش کنند، کارنامه آنان را نقد و ارزیابی کنند، و خواهان شفافیت در کار حکمرانان و چگونگی اداره کشور شوند. برگزیدگان مردم نیز باید در برابر مردم پاسخگو باشند و حقوق مردم را به عنوان امانت حفظ کنند و در پایان دوره مسئولیت خود به مردم بازگردانند.

انتخابات دموکراتیک دارای مبانی نظری دقیق و روشن است. اگر این مبانی به درستی فهم شود و برپایه آزادی، برابری و بی طرفی، و برمدار اخلاق و قانون به اجرا درآید، دارای دو سرمایه بزرگ مشروعیت و کارآمدی است. انتخابات دموکراتیک می تواند کشور را به تدریج در مدار توسعه همه جانبه، متوازن و پایدار قرار دهد. در غیر این صورت، کاری فرمایشی، ظاهری، بر سبیل عادت و مانند مناسکی است که به شکل های سالانه و یا دوسالانه برگزار می شود.

یادداشت

(۱) به عنوان نمونه، علی شریعتی « بیعت [را] همان رای دادن» و « دموکراسی» می داند. (شریعتی، ۱۳۸۴، ۴۶۳؛ محمودی، ۱۳۹۵، ۳۸۲).

کتابنامه

- شریعتی، علی، علی، (مجموعه آثار ۲۶)، چاپ سیزدهم، تهران، بنیاد فرهنگی دکتر علی شریعتی، ۱۳۸۴.
- شهیدی، سید جعفر، «بیعت و چگونگی آن در تاریخ اسلام»، کیهان اندیشه، شماره ۲۶، مهر و آبان ۱۳۶۸.
- محمودی، سید علی، *نواندیشان ایرانی، نقد اندیشه های چالش برانگیز و تاثیرگذار در ایران معاصر*، چاپ چهارم، تهران، نشر نی، ۱۳۹۵.
- محمودی سید علی، *درخشش های دموکراسی، تاملاتی در اخلاق سیاسی، دین و دموکراسی لیبرال*، تهران، نشر نگاه معاصر، ۱۳۹۳.